

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

داکتر میر عبدالرحیم عزیز
۲۳ اپریل ۲۰۱۶

نبود وجدان در "کرزی" و عمال شورای "حراست و ثبات"

در روز نخست تجاوز امپریالیسم امریکا بر افغانستان، عده ای از انسان های با وجدان و دارای شرف انسانی اعلام کردند که "افغانستان در اشغال امریکا در آمده و دولت فعلی مانند نظام های خلقی- پرچمی، جهادی و طالبی، مستعمراتی است". در سطح رسانه ها، پورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" اولین سایتی بود که صدای رسای خود در اعتراض به اشغال کشور بلند نمود که باعث تأثر میهن فروشان گردید. در همان زمان، ناموس فروشان خاک کشور، موقف افراد شریف و فرزندان صدیق وطن را در ارتباط به اشغال کشور توسط قوای متجاوز امریکا مورد انتقاد قرار داده و میهن دوستان را که کهنه فکر و تنگ نظر معرفی نمودند. همچنان افرادی فروخته شده ای مانند "قیوم کرزی" گفتند که "حالا زمان گلوبالیزیشن است، وطن دوستی چه مفهوم دارد". با گذشت زمان، اکنون یک عده از همان خائنان با اظهارات ضد و نقیض گاهی می گویند که افغانستان در اشغال است و حاکمیتش مورد تخطی قرار گرفته و گاهی هم از ترس، صرف یاد آور می شوند که امریکا در امور داخلی افغانستان مداخله می نماید. درین جا سخنان و موقف یک عده از میهن فروشان و وابستگان بیگانه را مورد ارزیابی قرار می دهیم تا برادران و خواهران ما به عمق هویت این بی هویتان پی ببرند.

درین روز ها "حامد کرزی" رئیس جمهور مزدور سابق دولت مستعمراتی کابل و افراد شورای "حراست و ثبات" تحت رهبری "عبدالرسول سیاف"، یکی از معروف ترین قاتلان و دین فروشان کشور، دهن انتقاد از امریکا و سفر اخیر "جان کری" وزیر خارجه این کشور به افغانستان گشودند. این افراد کسانی اند که توسط امپریالیسم امریکا به منظور تطبیق طرح های استعماری در افغانستان خلق شدند و بر اریکه قدرت جاگزین گردیدند. این خاک فروشان حرفه ئی، حال امریکا را به مداخله در امور افغانستان متهم می نمایند، اما با تمام بی حیائی از استعمال کلمات اشغال کشور ذکر به عمل نمی آورند. دلایلی باید وجود داشته باشد که چرا مزدوران سابقه دار از چوکات تعیین شده خارج شده و صدای تصنعی اعتراض را بلند می نمایند.

"جان کری" وزیر خارجه امریکا به تاریخ ۹ جولای طور سری به کابل رفت تا به "غنی" و "عبدالله" اطمینان دهد که آنها "بالاخص غنی" دوره پنج ساله را تکمیل خواهند کرد. افرادی که گفتار "کری" را مداخله در امور داخلی افغانستان می پندارند، به این باور اند که حمایت امریکا از حکومت "غنی - عبدالله" مداخله در امور افغانستان تلقی می شود. تا زمانی که همین افراد خود در پست های دولتی تکیه زده بودند، از حمایت امریکا ستایش می کردند. مدت هاست که

حکومت "وحدت ملی" "غنی - عبدالله" نسبت کمبودی ها و کشمکش های درونی اش مورد تاخت و تاز گروه ها و افراد مختلف قرار گرفته است. از زمره شخص "کرزی" و حواریون وی و گروه جدید الخلقه ای به اسم شورای "حراست و ثبات" بی صبرانه می کوشند تا عمر حکومت ضد ملی "وحدت ملی" "غنی - عبدالله" را کوتاه تر سازند. هدف اینها اینست که با به راه انداختن لویه جرگه و تغییر قانون اساسی دولت مستعمراتی، نظام ریاستی را به نظام پارلمانی تعویض نموده تا قدرت اجرائی از رئیس جمهور به صدراعظم که در چوکات نظام پارلمانی خلق می شود، منتقل گردد. اطمینان کری به "غنی" و "عبدالله" امید افراد متعرض را به یأس مبدل نموده است.

درین جا توجه همه را اول به سوی "حامد کرزی" معطوف می دارم. "حامد کرزی" بعد از تجاوز امریکا به افغانستان، توسط قوای اختصاصی این کشور از مرگ حتمی نجات یافت و نظر به امر جورج بوش، لکن با تشریفات فریبنده به حیث رئیس جمهور افغانستان اشغال شده مقرر گردید.



حامد کرزی در چنگال نیرو های اختصاصی امریکا حامد کرزی در حمایت نیرو های اختصاصی امریکا

اگر کودکان در نوشته و ادعای من شک و تردیدی احساس می کنند، لطفاً به عکس های بالا نظر اندازند تا به ماهیت این فرد پلید پی ببرند. در فوتو ها، حامد کرزی در میان نیرو های اختصاصی امپریالیسم امریکا دیده می شود. این نیرو ها کرزی را از به دام افتادنش در دست طالبان نجات داده و او را تیلیفونی در کنفرانس بن مورخه ۵ دسمبر ۲۰۰۱ به حیث اولین رئیس جمهور دست نشاندۀ امریکا در افغانستان بر اریکه قدرت نشاندند. در خلال ۱۳ سال ریاست جمهوری اش، کرزی از حمایت کامل سیاسی و نظامی اداره بوش برخوردار بود و به خاطر حمایت این فرزند نا حلف افغان بود که امریکائیان هزار ها تن از هم میهن ما را کشتند و هزار ها خانه را ویران کردند. "کرزی" این امتیاز را به دست آورده بود که هر هفته صحبت ویدیوئی با بوش داشته باشد و از او برای بقای خود کمک بخواهد.

حال چه اتفاقی افتاده که "کرزی" از ولینعمت خود یعنی امریکا انتقاد می کند و گفتار "کری" را مداخله می داند؟

حامد کرزی از آن عزت کاذبی که نزد اداره بوش داشت، نزد اداره اوباما برخوردار نبود. "جو بایدن" معاون ریاست جمهوری امریکا یک بار به "کرزی" خاطر نشان ساخت که "صحبت هفته ئی که با "بوش" داشت، با اداره "اوباما" امکان ناپذیر است. گاه گاهی صحبت ها تیلیفونی صورت خواهد گرفت، اما نه طور منظم که در گذشته رایج بود". پس از روز اول ریاست جمهوری "اوباما" تا روز اخیر ریاست جمهوری "کرزی"، روابط این دو به هیچ وجه صمیمی نبود. اداره "اوباما" حتا تصمیم داشت که "کرزی" را در جریان "انتخابات" ریاست جمهوری ۲۰۰۹ تعویض کند، اما بعداً به خاطر جلوگیری از بی نظمی بیشتر از طرح خود منصرف شد. از جانب دیگر، اداره "اوباما" به "کرزی" اخطار داد که نه خودش و نه برادرانش می توانند خود را برای ریاست جمهوری ۲۰۱۴ کاندید نمایند. با وجودی که "قیوم کرزی" برای کاندید شدن تبارز نمود، اما به زودی از صحنه بدر گردید. تصور می شود که زمان مصرف

"کرزی" ها نزد امریکائیان به پایان رسیده باشد. همان بود که فقدان حسن نیت بر روابط "کرزی" و اداره "اوباما" مستولی شد و روی همین دلیل "کرزی" عقده به دل ماند. اکنون "کرزی" می گوشت که به منظور رفع عقده اش، "انتقام" خود را از اداره "اوباما" بستاند. تقابل با حکومت وحدت ملی "غنی - عبدالله" و تخریب آن یکی از راه هائیکست که "کرزی" آن را دنبال می نماید. دلیل دیگر هم آرزوی دوباره به قدرت رسیدن خودش و حواریون وی است که حال خود را بیکار و بی سرنوشت می بینند. افرادی از قبیل "داوودزی، رهین، احدی" و دیگران گاهی مستقل و گاهی پیرو، به دنبال "کرزی" می دوند تا در صورت برگشت "کرزی" بر اریکه قدرت چیزی به دست آورند.

توجه فرمائید که "کرزی" در مورد امریکا چه می گوید: "کرزی" امریکا را متهم به نقض حاکمیت ملی کشورش کرد، زیرا "جان کری" وزیر خارجه امریکا که به تاریخ ۹ اپریل به افغانستان آمده بود، حمایت خود را از تداوم نظام مزدور "غنی - عبدالله" اعلام نمود. "کری" گفت که "عمر دولت دولت وحدت ملی افغانستان پنج ساله است، نه دوسال". این سخنان "کری" مانند چکش بر فرق "کرزی" و حواریون وی فرود آمد. "کرزی" بعداً گفت که "افغان ها قانون اساسی دارند، دولت دارند، این صلاحیت مردم افغانستان است که کی را انتخاب می کنند و کی را برکنار." "کرزی" امریکا را متهم به تبلیغات دروغین در مورد تقلب سازمان یافته در انتخابات سال ۲۰۱۴ کرد و گفت که امریکا می خواست بر ما سیستم مورد نظر خود را پیاده کند. "کرزی" کودن و لاشعور نمی داند از روز اول تجاوز تا اکنون، امریکا نظر و سیستم خود را بر افغانستان تحمیل کرده است. از همان روزی که کرزی در اختیار نیرو های اختصاصی قرار گرفت تا امروز همان امر و نهی امریکا افغانستان را اداره می کند. آیا بدون امر و نهی امریکا شخصی به نام "حامد کرزی" درین جهان وجود می داشت که رئیس جمهور افغانستان مقرر شود؟ البته نه. با وجود این همه انتقادات، "کرزی" پای خود را از گلیم خود فراتر نمی گذارد تا مبدا به سرنوشت تقسیم فهم و یا یاسر عرفات مواجه گردد. او با پستی و دنائتی که دارد، می گوید که "خانه امریکا آباد که ما را آزاد ساخت". این انسان نا خلف و خاین به میهن شهادت ندارد که خود را در نهایت از قید بردگی برهاند و مانند انسان آزاده زیست کند. از امریکا نسبت از نظر انداختنش شکوه دارد، با آنهم ممنون و مشکور امریکاست که او را ۱۳ سال در قدرت نگهداشت. در خلال این ۱۳ سال، به عقیده "کرزی" نه افغانستان در اشغال بود و نه حاکمیتش توسط امریکا و ناتو نقض گردیده بود. این است شرف جُلی "حامد کرزی" که خودش و دوستانش به آن می بالند. کسانی که از "کرزی" و حکومتش حمایت می کردند، اکنون چه دلایلی برای تبرئه خود و "کرزی" ارائه می دارند.

افراد منتقد دیگر کسانی اند که در تشکیلی به نام شورای "حراست و ثبات" گرد هم جمع شده اند و ادعا دارند که حکومت "وحدت ملی" به تعهداتش عمل نکرده است. ازین شورا باید سؤال کرد که "حکومت وحدت ملی" که زاده امریکاست، چه مکلفیت دارد که به مردم خود تعهد بسپارد و به آن پایبند باشد؟ یک حکومت دست نشانده مروهون آمران و حامیان اجنبی است، نه سیاستگذار مردم خویش.

این شورای کثیف توسط بد نام ترین و قاتل ترین انسان ها به تاریخ ۱۸ دسمبر ۲۰۱۵ پا به عرصه وجود گذاشت. اعضای مهم شورای "حراست و ثبات" عبارت اند "عبدالرب رسول سیاف"، "یونس قانونی"، "عبدالهادی ارغندیوال"، سابق وزیر اقتصاد، "بسم الله محمدی"، سابق وزیر دفاع، "عبدالرؤف ابراهیمی"، رئیس شورا، "محمد اسماعیل خان"، سابق وزیر انرژی و آب، "عمر داوودزی"، سابق وزیر داخله و تعداد دیگری از رهبران "جهادی" افغانستان که بخش از امتیازات خود را در حکومت "وحدت ملی" دو اعجوبه خیانت، "غنی - عبدالله" از دست داده اند. هم مینهان ما از قتل و ویرانگری "سیاف" و "قانونی" و عملکرد "اسماعیل خان" من حیث قومندان جمعیت منافقین اسلامی "ربانی" خوب آگاهند و از کارنامه کثیف این قاتلان ملت با خبراند. همین "سیاف" و "قانونی" بودند که همراه

با احمد شاه مسعود چه مصیبتی بر مردم ناحیه افشار کابل تحمیل کردند. مرد های شان را از دم تیغ کشیدند و بر زنان شان تجاوز نمودند و اطفال شان را زنده به گور ساختند. از جانب دیگر شهر کابل را با همراهی جناور دیگری به نام "گلبدین حکمتیار" به خاک یکسان نمودند. این حیوان صفتان اکنون می خواهند خود را مدافع حقوق مردمی جلوه دهند که مورد ظلم و ستم این نابکاران و جناوران قرار گرفته اند.



سه مخلوق امپریالیسم

از روز اول اشغال افغانستان، این ناموس فروشان مورد تفقد امپریالیسم امریکا قرار گرفته و در پست ها و مقامات مختلف تعیین گردیدند، تا مطامح استعماری استعمار گران را برآورده سازند. این افراد بی هویت تا زمان ریاست جمهوری شرف باخته "حامد کرزی"، به جولان خود ادامه داده و از طرق غیر مشروع و خیانت به میهن، صاحب ثروت هنگفتی شدند. اکنون که بیکار شده و افسوس دوره گذشته را می خورند، خالق خود امریکا را هم طبق اجازه به باد انتقاد می گیرند تا اگر بار دیگر در سلسله مراتب قدرت داخل شوند. "حامد کرزی" نیز با این گروه ضد ملی از نزدیک در تماس بوده و ملاقات های متواتر انجام می دهند تا حکومت "وحدت ملی" "غنی" و "عبدالله" را از پا اندازند. "عبدالله" مخفیانه با این گروه همکاری می نماید، زیرا هر گونه تغییر در سیستم، او و سایر اعضای گروه میهن فروشان شورای نظار را مستفید می سازد. بناء لبه تیز تبلیغات این گروه بیشتر متوجه "غنی" مرد شماره دو از آخر است. شورای "حراست و ثبات" مانند "کرزی" از سفر "جان کری" به کابل و حمایتش از تدوام پنج ساله حکومت "وحدت ملی" انتقاد نموده و آن را صرفاً مداخله در امور داخلی افغانستان دانسته است. این شورا در جلسه تاریخی ۱۳ اپریل خود اعلام کرد: "شورای حراست و ثبات افغانستان که از گروه های مخالف سیاسی حکومت افغانستان تشکیل شده، اظهارات آقای "کری" را مداخله در مسایل ملی افغانستان تلقی می کند و از همکاران بین المللی افغانستان با صراحت می خواهد که از اظهاراتی که استقلال افغانستان را زیر سؤال می برد پرهیز کنند". چندی قبل دلچک دیگری به اسم "فضل هادی مسلم یار" رئیس مشرانو جرگه گفته بود، "اتخاذ تصامیم از سوی کشور بیرونی در خصوص سرنوشت افغانستان، شرم آور است". چه کلمات زیبا و پر طمطراق! کاش این جمله بندی های با حرارت از حلقوم انسان های شریف و پاک خارج می شد تا بر دل ها می نشست و باور مردم را به آنها بیشتر می ساخت. کلماتی را که "سیاف" و "قانونی" زمزمه می نمایند، کی می تواند به آن باورمند شود.

باید دانست که موجودیت فرد فرد این گروه میهن فروش و ضد ملی مرهون تجاوز امپریالیسم امریکا و ناتو است. اگر مداخله امریکا نمی بود، هر یک از این گروه و سایر افراد وابسته به امپریالیسم در کنج و کنار جهان پراکنده می بودند و مانند میلیون ها افغان آوره، دور دنیا سرگردان می گشتند. از خیرات تجاوزات امپریالیستی و سوسیال امپریالیستی بوده است که یک عده از شرف باختگان به مقامات و ثروتی رسیده اند که در خواب هم نمی دیدند. همه مردم ما می دانند که انتقاد این میهن فروشان مسلکی از امریکا نه از دل، بلکه از روی زمانه و نا امیدی است که می خواهند بار

دیگر توجه و محبت امریکا را به سوی خود جلب کنند و به ولینعمت خود بفهمانند که ما نسبت به "غنی" و "عبدالله" به تو وفادار تر و پا بوس تر خواهیم بود. این افراد سال ها در خدمت دستگاه های استخباراتی امریکا قرار داشته و مورد استفاده آنها قرار گرفته اند. اگر واقعاً این افراد بنای مخالفت را با امریکا در سر داشته باشند، طبق تجارب از عملکرد امپریالیسم و استعمار، عمر طولانی نخواهند داشت، در حالی که هنوز هم به حیات فلاکت بار و ننگ آور خود با غرور و تکبر ادامه می دهند و از آینده "درخشان" خود مطمئن اند.

باید متذکر شد که در ماهیت، کمترین فرقی بین حکومت "کرزی" و حکومت "غنی - عبدالله" وجود ندارد. تفاوت صرف درین است که "کرزی" از التفات خاص "بوش" نسبت به وی بهره برد و "غنی" و "عبدالله" از برکت اداره "اوباما" به حیات ذلت بار خویش تازمان سرنگونی ادامه خواهد داد. این ها یک روح خبیث اند اندر دو بدن.